

ارائه الگو روش‌شناسی مطالعات شهرسازی به منظور تحول حکمرانی

محسن رفیعیان

استادیار گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد

چکیده

حکمرانی متعالی در زمینه جنبه‌های کالبدی تمدن، مستلزم شکل‌گیری روش‌شناسی شهرسازی متناسب با آن است. روش‌شناسی اشاره به اصول و ایده‌هایی دارد که پژوهشگران براساس آن، روش‌هایشان را پایه‌ریزی و به توسعه و پیشبرد علم می‌پردازند. پژوهشگران آنقدر آزاد و مختار نیستند که کاملاً دلخواه عمل کنند. و بایستی دارای یک برنامه راهبردی تحقیقاتی باشند که مشخص کند، کاوش‌های کنونی و آینده آن‌ها، چگونه باشد. مسئله پژوهش حاضر این است که ارتباط منسجم و برنامه‌ریزی شده میان فعالیت‌های پژوهشی شهرسازی ایران وجود ندارد. هدف این پژوهش انگاره‌سازی روش‌شناسی و پیشبرد مطالعات شهرسازی متناسب با حکمرانی متعالی است. به این معنی که مبنای برگزیدن روش‌ها چه باید باشد و پژوهش‌ها به چه سمت و سویی می‌تواند حرکت کند. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی با رویکرد کیفی است. بدین ترتیب که با استفاده از مطالعات اسنادی ارکان نظری بحث شامل هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی تبیین گردیده و نقش و جایگاه روش‌شناسی در تدوین برنامه پیشبرد مطالعات شهرسازی اسلامی مطرح سپس با بهره‌گیری از نظرات فلاسفه علم مراحل مناسب پیشبرد مطالعات ارائه گردیده‌است. نتایج حاکی از آن است که در مطالعات شهرسازی می‌توان در محتوا به منابع اسلامی رجوع کرد و از حیث روش باب داد و ستد را با جریان‌های علم عادی (به بیان فیلسوفان علم) گشود. پیشبرد مطالعات شهرسازی نیازمند فراهم آوردن سه حلقه هسته مقاوم، کمربند محافظ و راهبردهای ایجابی و نظریه‌های جامع در حوزه‌های گوناگون است. روش‌شناسی مطالعات، مبتنی بر چارچوب فکری اسلامی است، این چارچوب فکر در هستی‌شناسی بر تعالی‌شناسی؛ در معرفت‌شناسی بر عبادت یا عمل صالح، و از نظر انسان‌شناسی نیز بر انگاره انسان حی متاله استوار است. تمامی این ارکان به صورت هنجاری بر مبنای آیات صریح قرآن انسان را به سمت «حیات طیبه» رهنمون می‌گردند. حیات طیبه ثمره عبادت و توجه به عالم بالاست در همه حال است. از این رو شهرسازی به معنای انتظام محیط انسان ساخت نیز بدنبال بسترسازی محیط در راستای حیات طیبه است. برنامه پیشبرد دانش شهرسازی نیز می‌تواند با برقراری ارتباط قاعده‌مند، میان چارچوب‌های فکری موجود در اندیشه اسلامی انگاره‌های حکمرانی متعالی، مدلی روش‌شناختی برای نظریه‌پردازی در مطالعات شهرسازی از منظر اسلام و حکمرانی متعالی عرضه کند. که در آن هسته مقاوم، کلان نظریه شهرسازی عبادت محور است.

واژه‌های کلیدی: شهرسازی، روش‌شناسی، تحول حکمرانی، برنامه پیشبرد، حکمرانی متعالی

methodology of Urbanism for Exalted Governance

Abstract

Progress of each knowledge requires specific emphasis on the conceptual framework and development research plan. The main problem, that this paper consider is: there is not good correlation between the various research activities done by Islamic urbanism researchers to achieve exalted governance. The aim of this paper is represent a model of research methodology in Islamic urbanism to achieve exalted governance . It want to declare how can choose a method and direction in these type of researches. This paper use descriptive and analytical Methode in qualitative approach. Theoretical reviewing about ontology, epistemology and anthropology did in study of documents. The role and importance of methodology and progress plan present with a model of research development .Findings suggest that the development and growth of Islamic urbanism requires a clear and synergistic research plan based on specific methodological framework for thinking in paradigm of Islam. Different references mention that The methodology of interdisciplinary studies should not be such that adopt or integrate theories to produce new one - Urbanism also is an interdisciplinary knowledge - Methodology can produce meta theory, and it should clear that where are other theories? or how they develop meta theory or possibly decline it? How new theories can prevent or cancel part or whole of the existing theory? One of the missed chain of researches in Islamic urbanism is that, there is not good correlation between the research activities. Each study is in preparation or follow a theory. and these theories have no ties with each other. Findings suggest that, different theories can present in the shadow of meta theory .development of Islamic urbanism requires further studies, each of them can run in one of these three: core ring, guard belt and strategies and comprehensive applied theories in various areas. In this way. Core ring and paradigm is based on Islamic context, that logically is different from normal urbanism content. But of course those previous content that are not against Islam and do not stuck new core ring or paradigm could absorb in it. On the other hand guard belt, drop those theories that are against core ring and paradigm it also prevent them of cancellation. In Islamic urbanism religion modify and define main statements and paradigm, and safe it by guard belt. There are also some guidelines for new theories, 1- they should not be against part or whole of core ring. 2- they should act to expand and strengthen the paradigm and core ring of Islamic urbanism. Results show that in the field of Methodology, The study is based on Islamic intellectual framework, this framework of thought in ontology rely on Sublimation, in epistemology rely on worship or good deeds, and also in anthropology on theologian living of human. All of these elements are normatively based on Quran to guide human to "spritual life". spritual life is The result of worship and Sublimation at all times. the urbanism in the meaning of regulating built environment, also seeks to prepare environment for Sublimation life. Urbanism research plan by communicating between existing intellectual frameworks in Islamic thought and urbanism theories, can provide methodological model for theorizing in urbanism from the perspective of Islam. Where core ring of its meta theory is worship centered - According to previous part- Rafieian(2015) state that according to some examples as Inductions this core ring work good and other researches also should find guard belt and strategies and comprehensive applied theories.

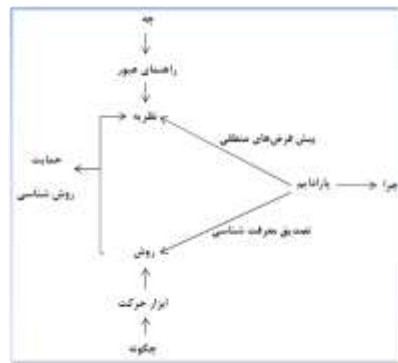
Key words: Urbanism, Methodology, Exalted Governance, paradigm.

۱- مقدمه

موفقیت‌ها و یا عدم موفقیت‌های حکمرانی نه تنها نسل معاصر را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بلکه با حرکت مواج در گذر زمان، نسل‌های آینده را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد و نسل‌های معاصر و آینده تنها در صورتی می‌توانند نیازهای خود را پاسخ دهند که هم‌اکنون و در زمان حال حکمرانی مطلوب جاری و حاکم گردد (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۹). امروزه نظریات مختلف پیرو استقرار حکمرانی شایسته شهری بر پیکره مدیریت شهری سایه افکنده، که تماماً ریشه در تفکرات غربی دارد (فیروزی، سجادیان، ۱۳۹۷: ۸۷). مطالعات مختلف بیانگر این است که دوندگی در مسیر آرمانشهر غربی، همواره فاصله ما بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را حفظ کرده است (رضایی، دهقانی، کیانپور، ۱۳۹۴: ۸). این در حالی است که نه تنها دین مبین اسلام دارای ظرفیت ارائه الگوی حکمرانی شهری مطلوب می‌باشد؛ بلکه حکمرانی مطلوب اسلامی از جامعیت بالاتری به نسبت نوع غربی، برای استقرار در نظام شهری ایران برخوردار است (فیروزی، سجادیان، ۱۳۹۷: ۸۷). در همین راستا اسلام بر خلاف پارادایم‌های شهرسازی مادی‌گرایانه غربی، که در یک سیر کلی از اندیشه‌های کمونیستی متولد شده و در فضای اندیشه‌های لیبرال قوام می‌یابد و در نهایت نئولیبرالیسم‌ها آن را اصلاح کرده و به توسعه‌پایدار ختم نموده‌اند (رفیعیان، ۱۳۹۴: ۱۵)، با نگاه بنیانی به کلان نظریه "عبادت‌محوری" (آیه ۵۶ سوره ذاریات) که اساس اصلی خلقت آدمی است گام بر می‌دارد. پارادایمی که در همه امور با "توجه به وجود برتر" معنا می‌یابد (رفیعیان، ۱۳۹۴: ۹). پارادایمی که هم برخوردار از جهات و آموزه‌های معرفت بخش در مورد انسان و ارتباطات وجودی اوست و هم مشتمل بر ارائه نظام ارزشی و هنجاری درباره زندگی مطلوب آدمی در حیات فردی و اجتماعی است (میرمیران، الیاسی، ۱۳۹۱). الگویی که برخلاف انگاره‌های رایج امروزی که بیشتر نگاه مادی و دنیوی به امور دارند، به معنویات جامع توجه دارد و این ظرفیت را دارا است تا مبنای الگوی حکمروایی نظام شهری ایران باشد و عملکرد سازمان‌های مدیریت شهری ایران را بهبود ببخشد و همچنین جامعه را در مسیر کمال‌نمایی که همان وجود برتر خداست رهنمون سازد (بردبار، ضرابی زاده، صالحی، ۱۳۹۴: ۳۹). لذا با توجه به اینکه در هر فعالیت انسانی بایستی جایگاه و نقش عبادت‌محوری بر سایر اندیشه‌ها ارجحیت داشته باشد و هدفی جز عبادت معبود وجود نداشته باشد. این پژوهش با هدف ارائه الگو روش‌شناسی مطالعات شهرسازی به منظور تحول حکمرانی شکل گرفته است.

امروزه ضرورت پرداختن به مطالعات شهرسازی اسلامی در پاسخ به خواست‌ها و مطالبات دورن و بیرون از حوزه دانش شهرسازی (۱) پیش از پیش وجود دارد. در صورتیکه برنامه مشخصی در جهت پیشبرد این مطالعات رو به تزاید شهرسازی اسلامی طرح نگردد، هم‌افزایی و تعامل میان نتایج پژوهش‌ها شکل نگرفته و توان محققان صرف پژوهش‌های موازی و غیر همسو خواهد شد. مقاله حاضر گام اول در این زمینه را انگاره‌سازی روش‌شناسی و برنامه پیشبرد مطالعات شهرسازی اسلامی می‌داند. با توجه به موضوع پژوهش حاضر، روش و فرایند پژوهش باید به گونه‌ای تعریف شده که ابتدا مفهوم پارادایم (چارچوب فکری) و نظرات پیرامون آن بیان و سپس مختصات (هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی) پارادایم الهی تبیین گردد. در گام بعدی قابلیت این پارادایم در جهت‌دهی به بررسی‌های علمی شهرسازی و ارائه روش مطلوب پژوهش در این حوزه پیشنهاد می‌گردد. شکل ۱ ارتباط مفاهیمی که بدان پرداخته می‌شود را نشان می‌دهد.

شکل ۱: ارتباط مفاهیم مقاله



ماخذ: نگارندگان

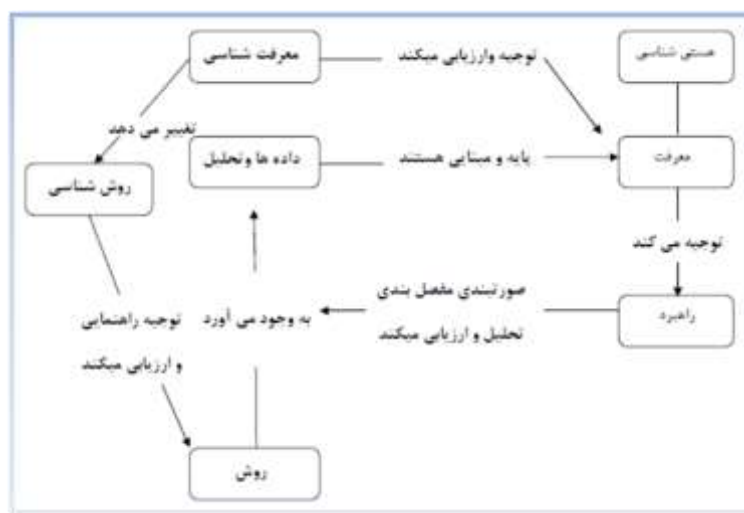
۲- طرح مساله

مساله پژوهش حاضر ناظر به چارچوب فکری و ضعف روش‌شناسی مطالعات شهرسازی در راستای حکمرانی متعالی است. نظریه‌پردازی و نگاه علمی به مسایل علوم عمدتاً بر سه رویکرد استقرایی، ابطال‌گرایانه و چارچوب فکری (۲) بنا شده است. گرچه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی هر کدام از این رویکردها با هم متفاوت‌اند ولی تا حد زیادی نسبی‌گرایی و قائل بودن به عدم دستیابی به معرفت کامل و ثابت نسبت به حقیقت، محور مشترک هر سه است. که موجب بروز تناقضاتی در بکارگیری این نظرات شده است. در توضیح سه مولفه پیش گفته می‌توان گفت، «هستی‌شناسی (۳)» به «چیستی» موضوع می‌پردازد. «معرفت‌شناسی (۴)» به چگونگی دانستن، یعنی نوع مواجهه با موضوع، اختصاص می‌یابد. «روش‌شناسی (۵)» به شیوه انجام تحقیق می‌پردازد (مارش و استوکر، ۲۰۰۲). توماس کوهن از نظریه‌پردازان مطرح فلسفه علم، پیشرفت علم را متشکل از یک سری دوره‌های غیرمستمر از علوم بهنجار و تغییرات انقلابی می‌داند. این بدان معناست که در یک دوره زمانی، نوعی شیوه دیدن جهان بهنجار تلقی می‌شود. و در صورتی که این شیوه پاسخ‌گوی مسائل نبود، تناقضات بروز کرده و با بحران مواجه می‌شود و در نتیجه این بحران انقلاب علمی رخ می‌دهد. البته از دیدگاه کوهن پارادایم وسیع‌ترین واحد اجماع درون یک رشته علمی است که یک جامعه علمی یا خرده جامعه‌ی علمی را از دیگری متمایز می‌سازد. چنین تحولی را در مقام قیاس با انقلاب‌های سیاسی، انقلاب علمی (پارادایم) می‌نامد. تناقضات بیشماری که علم معمول و مرسوم شهرسازی امروز در مواجهه با پدیده‌ها دارد، را از منظر نظریه کوهن می‌توان مقدمه‌ای برای رخداد انقلاب علمی در دانش شهرسازی تلقی نمود. امروزه تلاش‌های بسیاری توسط صاحب‌نظران شهرسازی اسلامی برای رخنه زدن طرز تفکری متفاوت نسبت به مسایل شهرسازی مبتنی بر اندیشه اسلامی ایرانی صورت می‌گیرد. نگاهی اجمالی به روش‌شناسی‌های فعلی نظریه‌پردازی در شهرسازی اسلامی نشان می‌دهد که هر کدام از آن‌ها ریشه در چارچوب تفکری دارند و بعضاً دچار التقاط چارچوب‌ها شده‌اند. برخی مطالعات به ریشه‌نظری خود اشاره نموده‌اند و برخی در این زمینه سکوت نموده‌اند. تاکنون مطالعات و تحقیقات شهرسازی اسلامی در ایران به ایجاد پارادایم معرفتی و توسعه برنامه پژوهشی، منجر نشده است. به عبارت دیگر، نظریه‌ها در قالب برنامه‌ای از پیش تعریف شده، کنار یکدیگر قرار نمی‌گیرند و ساختار منتظم و منسجمی پیش روی محققان این حوزه نیست. این موضوع، خود، معلول فقدان مدل روش‌شناختی است. در شرایط امروز با فرض اینکه چارچوب‌های فکری و روش‌شناسی منبعت از آن در مطالعات شهرسازی ناکارآمد شده‌اند و تناقضات روز افزونی در حال بروز می‌باشد. می‌توان گفت مسئله این است که ارتباط منسجم و برنامه‌ریزی شده میان فعالیت‌های پژوهشی شهرسازی اسلامی وجود ندارد. از طرفی نیازمند روش‌شناسی منقح، مدون و مکتوب و برنامه پژوهشی مشخصی هستند. ولی تاکنون انگاره‌سازی مشخصی در این خصوص صورت نگرفته و یا پژوهش‌های معدودی حول آن انجام پذیرفته است. و ضرورت روز افزون رهایی از دام فکری نگاه درون پارادایمی مرسوم شهرسازی حس می‌شود. پارادایم‌های غالب در شهرسازی آموزه‌های اسلام را مد نظر ندارند. و از طرفی نظریه‌پردازی‌های شهرسازی اسلامی هم افزا نیستند و اتفاق نظر روش‌شناسانه محدودی میان آنها وجود دارد. از آنجا که تبیین مبانی معرفت-شناختی، هستی‌شناسی و روش‌شناسی سنگ بنای مباحث می‌باشد. این مطالعه بدنبال انگاره‌سازی روش‌شناسی مطلوب از منظر چارچوب فکری الهی و تدوین برنامه پیشبرد مطالعات می‌باشد.

۳- چارچوب فکر (پارادایم) و روش‌شناسی

روش‌شناسی امری منبعث از چارچوب فکری است. چارچوب‌های فکری به‌عنوان نوع نگرش به جهان، اصول ثابت و فروعات مختص به خود را دارا می‌باشند. در خصوص مفهوم چارچوب فکری تعاریف بسیاری صورت گرفته و کارکردهای آن بیشتر در تحلیل مباحث فلسفه علم معنا یافته است، «کاپرا» در کتاب «وب زندگی»، آن را مجموعه‌ای از مفاهیم، ارزش‌ها، برداشت‌ها و شیوه‌های عمل مشترک یک جامعه علمی که نگاه خاصی نسبت به واقعیت شکل می‌دهد و مبنای سازماندهی آن جامعه قرار می‌گیرد، تعریف می‌کند. وی هدف از ورود به مباحث از نظرگاه چارچوب فکری را این می‌داند که «نشان دهیم، مرزهای بحث کجاست؟» و «چگونه در آن مرزها عمل کنیم تا موفق شویم؟». کوهن چارچوب فکری را نوعی سیستم کلی اندیشیدن و تفکر تعریف می‌کند. سیستمی که فرد در قالب آن به پیرامون خود نگاه می‌کند، با آن رابطه برقرار می‌کند، با ابزار خاصی به سنجش آن می‌پردازد، به نحوی خاص به انسان‌های پیرامون خود نگاه می‌کند، از زبان خاصی برای پژوهش پیرامون خود استفاده می‌کند، و ارزش‌های خود را در مشاهده دخالت می‌دهد یا نمی‌دهد. بیشتر صاحب‌نظران معطوف به نظرات کوهن چارچوب فکری را دارای سه رکن ۱- هستی‌شناسی ۲- شناخت‌شناسی ۳- روش‌شناسی می‌دانند. هستی‌شناسی اشاره به این دارد که از نگاه پژوهشگر واقعیت یک پدیده یا معنای واقعی که یک پدیده می‌پذیرد چیست؟ شناخت آن واقعیت اشاره به شناخت‌شناسی دارد، یعنی فرایندی که انسان‌ها برای شناخت واقعیت مورد استفاده قرار می‌دهند و روش‌شناسی به دسته روش‌ها یا روش‌بکارگیری روش مورد استفاده، برای شناخت اشاره دارد. پس چارچوب فکری بنیان‌های ذهنی عقبه هر سطح را آشکار می‌کند (کتاب پارادایم‌ها سازوکار کشف آینده ۱۹۹۲، به نقل از دانایی‌فر، ۱۳۹۰). البته در پژوهش‌های گوناگون هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و روش به شیوه‌های متفاوتی تعریف می‌شوند. هستی‌شناسی پژوهش عبارت است از: نظریه‌ای عام درباره اینکه چه نوع چیزهایی یا جوهره‌هایی در جهان وجود دارند. و اشاره به گستره‌ای از هستی‌ها و روابطی است که درون حوزه‌های خاص از معرفت و تخصص علمی پذیرفته می‌شود (بنتون و کرایب، ۱۳۸۴). بلیکی آن را «مفروضات رویکرد خاصی از پژوهش اجتماعی درباره ماهیت واقعیت اجتماعی» (بلیکی، ۱۹۹۳، ۶) می‌داند. والیمن «نظریه موجودیت‌های اجتماعی و هرآنچه به منظور پژوهش وجود دارند» (والیمن، ۲۰۰۶، ۱۵) تعریف کرده است. هستی‌شناسی پژوهش بازتاب «نگرش پژوهشگر درباره سرشت جهان» (مارش و فورلانگ، ۱۳۸۷، ۶۴) و «نگرش پژوهشگر درباره آنچه جهان اجتماعی را می‌سازد و چگونگی مطالعه آن» است (باربور، ۲۰۰۷، ۲۰) به طور خلاصه هستی‌شناسی پژوهش توجیه راهبرد خاصی از پژوهش درباره ماهیت واقعیت اجتماعی است. معرفت‌شناسی عبارت است از «مطالعه اینکه چگونه و چه چیزی را میتوان شناخت» (والیمن، ۲۰۰۶، ۱۴) و «مطالعه ماهیت معرفت و توجیه» (شوانت، ۲۰۰۱، ۷۱). معرفت‌شناسی می‌تواند به مثابه توجیه معرفت در نظر گرفته شود. به طور خلاصه معرفت‌شناسی پژوهش به مفروضاتی درباره چگونگی شناخت هرچه وجود آن پذیرفته شده است اطلاق می‌شود. روش‌شناسی عبارت است از «نظریه و تحلیل درباره نحوه اجرای پژوهش» (هاردینگ، ۱۹۸۷، ۲)، «تحلیل مفروضات، اصول و روش‌های اجرا در رویکردی خاص به پژوهش» (شوانت، ۲۰۰۱، ۱۶۱)، یا آنگونه که کاپلان (۱۹۶۴) تعریف می‌کند، «مطالعه- توصیف، تعریف و توجیه- روش‌ها و نه خود روش‌ها» (کارتر و لیتل، ۲۰۰۷، ۲۸) به طور خلاصه روش‌شناسی مطالعه روش‌ها (میلز، ۱۳۸۲، ۶۹) و توجیه‌کننده روش‌های پژوهش است. روش‌ها عبارت‌اند از «تکنیک‌هایی برای گردآوری شواهد و مدارک» (هاردینگ، ۱۹۸۷، ۲) یا «روش‌های اجرا، ابزارها، و تکنیک‌های پژوهش» (شوانت، ۲۰۰۱، ۱۵۸). روش‌های پژوهش «واسط و پیامد عمل پژوهش‌اند» (سایر، ۱۳۸۵، ۴) به طور خلاصه، روش‌ها به مثابه‌ی عمل یا اجرای پژوهش در نظر گرفته می‌شوند. در شکل ۲ رابطه بین هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و روش نشان داده است.

شکل ۲: رابطه بین معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و روش



ماخذ: کارتر و لیتل، ۲۰۰۷ (با تغییر و اضافات)

۴- شیوه مواجهه

مواجهه پارادایمیک با مباحث شهرسازی از منظر الهی می‌تواند در با رویکردهای مختلفی به انجام برسد. در اینجا به دو رویکرد عمده که تاکنون مطرح بوده اشاره خواهیم کرد و سپس رویکرد سوم را که پژوهش حاضر اتخاذ شده معرفی می‌کنیم. دو رویکرد نخست به نحوی درست در مقابل یکدیگر قرار دارند زیرا در اولی که اعراض از فلسفه و بسنده نمودن به متون اسلامی مورد نظر است در حالی که در دومی یک نظام فلسفی مبنای اصلی کار قرار می‌گیرد. رویکرد پژوهش حاضر به منزله رویکرد سوم در محتوا به فلسفه پشت می‌کند و بیشتر به منزله ساختار و روش آنرا برای پیگیری مباحث پیشنهاد می‌کند. جدول ۱ به صورت مختصر، نکات کلیدی این شیوه برخورد را ارائه می‌کند.

جدول شماره ۱ شیوه مواجهه پارادایماتیک با مباحث شهرسازی از منظر الهی (اندیشه دینی)

نکات قوت	نکات ضعف	
رویکرد اول	این امر را در محیط بسته جستجو می‌کند و تحریم مرافقه و برکشیدن حریم فکری	اندیشه‌های ناب از متون اسلامی مستخرج و از اختلاط پرهیز می‌کند.
رویکرد دوم	التقاط و ترکیب ناسزاوار میان اندیشه‌های اسلامی و محتوای اندیشه‌های دیگر	امکان و ضرورت داد و ستد با سایر اندیشه‌ها
رویکرد منتخب	دغدغه اصالت در محتوا مانند رویکرد اول گشودن باب داد و ستد از حیث روش و ساختار	

ماخذ: نگارنده

رویکرد نخست بر آن است که برای مشخص نمودن اندیشه‌های اساسی باید به نظام‌های فلسفی که به اندیشه مسلمانان نفوذ کرده پشت نمود و تنها در متون اسلامی به جستجو در مورد آن‌ها پرداخت (۶). این رویکرد از اعتقاد به تباین میان فلسفه و عرفان اسلامی با دین سرچشمه گرفته است. از آغاز انتقال فلسفه یونان به عالم اسلام در جریان نهضت ترجمه کسانی (هم در حوزه شیعی و هم در حوزه سنی) به چنین تباینی میان فلسفه و دین باور یافتند. این گروه برآنند که درخصوص مسائل و مباحث بنیادی فکری آن دستاوردهای فیلسوفان و دیدگاه‌هایی که در اسلام مطرح شده تفاوت اساسی و تباین وجود دارد. این تفاوت در دیدگاه‌های مربوط به هستی، انسان، معرفت، و ارزش صادق است.

رویکرد دوم، برخورد مناسب را استنتاج از نظام‌های فلسفی و عرفانی مسلمانان می‌داند، در نگاه این رویکرد، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و سایر اجزا پارادایم از منظر فیلسوفان و حکما بررسی شده که در آن نه تنها دین با فلسفه تعارضی ندارد بلکه میان آن دو هماوایی و هماهنگی نیز برقرار است. زیرا فلسفه در تلاش است با زبان عقل به همان حقایقی دست یابد که دین با زبان وحی آن‌ها را بیان نموده است. جدول شماره ۲ ارکان چارچوب فکری با استفاده از شیوه مواجهه منتخب را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲: ارکان اندیشه اسلامی - ایرانی در این پژوهش با اتخاذ رویکرد جدول ۱

رکن	از منظر اندیشه اسلامی - ایرانی
هستی شناسی	هستی مخلوق خداوند یکتاست. وجود خداوند بی نیاز از اقامه براهین فلسفی است با این حال اندیشه ورزی فلسفی در هستی شناسی اسلامی ممکن و مطلوب متون دینی و پیشوایان است.
معرفت شناسی	در این اندیشه شناخت در عین دارا بودن ویژگی‌های شناخت علمی و نیز شناخت فلسفی فراتر از آنها به تعالی شناسی نظر دارد. ویژگی‌های این معرفت‌شناسی بدین شرح‌اند: ۱- علم عقلی قطعی با علم نقلی قطعی تعارض ندارد. ۲. علم عقلی متعارض با شریعت مخدوش است و عقل بشری می‌تواند بطلان آن را آشکار سازد. ۳. علم عقلی درست بیرون از دایره شریعت نیست.
روش‌شناسی	دغدغه اصالت در محتوا و استخراج اندیشه‌های ناب از متون اسلامی و پرهیز از اختلاط، گشودن باب داد و ستد از حیث روش و ساختار با سایر اندیشه‌ها.
انسان شناسی	انسان «حیّ متاله» زنده خداخواهی که خداخواهی او مسبوق به خداشناسی و ذوب شدن در اولوهیت اوست معنی می‌شود.

ماخذ: نگارنده با بهره‌گیری از جوادی آملی (۱۳۸۹) و باقری (۱۳۸۹)

۵- روش‌شناسی مطالعات شهرسازی در چارچوب فکری اسلام

ارتباطات شکل ۲ بر نیاز به شفاف‌سازی روش‌ها، روش‌شناسی‌ها، معرفت‌شناسی‌ها و هستی‌شناسی‌ها تأکید می‌کنند. اگرچه غالباً درک و فهم مفاهیم هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی دشوار به نظر می‌رسد، بسیار مهم و ضروری است که پژوهشگران درباره این مفاهیم بیان‌دیشند زیرا که هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و روش‌مفاهیمی بنیادین‌اند. مهم است که مباحث شهرسازی از کدام دریچه نگاه می‌شوند و چگونه با همدیگر معنا و ربط می‌یابند. روش‌شناسی اشاره به اصول و ایده‌هایی دارد که پژوهشگران براساس آن، روش‌هایشان را پایه‌ریزی می‌کنند. روش‌شناسی در برگزیده این است که چگونه ساختار کلی نظریه در رشته‌های علمی خاص کاربرد پیدا می‌کند. برای مثال چگونه کارکردگرایی یا اقتصاد سیاسی مارکسیستی یا پدیدارشناسی در حوزه‌های پژوهشی خاصی بکار برده می‌شود (هاردینگ، ۱۹۸۷، ۲-۳). کاپلان (۱۹۶۴) در کتاب خود با عنوان اجرای پژوهش بر تنشی مهم بین آنچه واقعاً در پژوهش انجام می‌گیرد و شیوه گفتگوی ما درباره آنچه انجام می‌گیرد، تأکید کرد. او از اصطلاح منطق کاربردی استفاده کرد تا به منطقی که پژوهشگر برای تولید معرفت بکار می‌گیرد. اشاره کند و اصطلاح «منطق بازسازی شده» را بکار می‌برد تا به تلاش در زمینه صورت‌بندی، مفصل‌بندی، تحلیل یا ارزیابی منطق کاربردی اشاره کند. کاپلان در کنار سایر نویسندگان روش‌شناسی را بعنوان «مطالعه-توصیف، تبیین و توجیه روش‌ها و نه خود روش‌ها» تعریف کرد. هدف از روش‌شناسی عبارت است از: توصیف و تحلیل روش‌ها، با روشن ساختن محدودیت‌ها و منابعشان، و توضیح دادن پیش‌فرض‌ها و نتایج به ما کمک می‌کنند تا بفهمیم و محصولات پژوهش علمی نبوده بلکه خود فرایند هستند (کاپلان، ۱۹۶۴، ص ۲۳، به نقل از صادقی فسایی، سهیلا و ناصری‌راد، محسن، ۱۳۹۰). بنابراین روش‌شناس کسی است که بیرون از روش‌ها قرار دارد و توصیف، تبیین، و توجیه و ارزیابی می‌کند و کمک می‌کند ما آن‌ها را بهتر درک کنیم. پژوهشگران می‌توانند بعنوان روش‌شناس عمل کنند. نظریه‌پردازان نظام‌های فکری مختلف نیز می‌توانند بعنوان روش‌شناسان ناظر عمل کنند (کارترو و لیتل، ۲۰۰۷، ۲۸). روش‌شناسی با در نظر گرفتن مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی خود و براساس یا به تناسب نظریه‌هایی که در حوزه یک علم پذیرفته است، روش خاصی را شناسایی و توصیه می‌کند (سایر، ۱۳۸۵: مقدمه پارسنیا، بیست و یک).

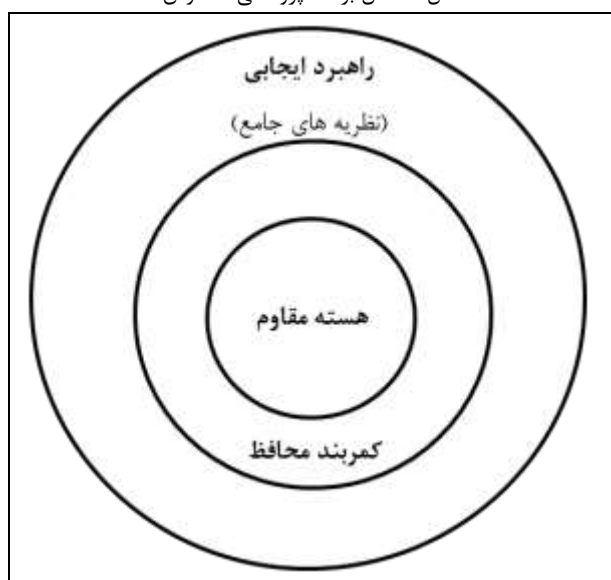
با توجه به ارکان مطرح در جدول شماره ۲ و محوریت مشترک آنها در حیات متالهیانه انسان و وجه بارز تعالی‌شناسی، ایمان و عبادت و عمل صالح در هستی‌شناسی و تمرکز معرفت‌دینی بر تعالی‌انسان می‌توان هنجاری برخورد کردن چارچوب فکری اسلام با مقوله‌ها را نتیجه گرفت از اینرو روش‌شناسی هنجاری یکی از محورهای مطالعات شهرسازی اسلامی است. به بیان دیگر اسلام بعنوان یک دین در تمامی زمینه‌ها برنامه‌مند است. و رویکرد منفعلی به دنیای پیرامون ندارد. یعنی با یک شیوه می‌توان جریان امور را مهندسی کرد و با شیوه دیگر می‌توان نظاره‌گر بود. اسلام در تمامی زمینه‌ها راهنمای عمل دارد و از این رو هنجاری برخورد می‌کند. جهت‌گیری تمامی این نظرات نیز به سمت فراهم آوردن حیات طیبه برای جامعه است. از اینرو

شهرسازی اسلامی هم بعنوان یکی از دانش‌های متأثر از آموزه‌های اسلامی مبتنی بر گزاره‌های هنجاری بوده و نیازمند یک برنامه پژوهشی برای پیشبرد خود است. در ادامه به چیستی و چگونگی این برنامه پرداخته می‌شود.

۶- برنامه پیشبرد مطالعات شهرسازی اسلامی

پس از اینکه از نظر روش‌شناسی و در بعد محتوایی مبانی و ارکان نظری مطالعات شهرسازی اسلامی مشخص گردید. این قسمت سعی در پرداختن به چگونگی ادامه مسیر مطالعات شهرسازی اسلامی دارد. همانطور که در چگونگی اتخاذ شیوه مواجهه مطالعات شهرسازی بیان شد. در مطالعات شهرسازی اسلامی باب داد و ستد روشی با علم عام باز است از اینرو، نظرات دو تن از اندیشمندان مطرح فلسفه علم، کوهن و لاکاتوش (۷) در خصوص نحوه پیشبرد فعالیت‌های علمی مورد بررسی قرار گرفته‌است. اهمیت این بررسی از آن حیث است که نحوه پیشبرد فعالیت‌های علمی شهرسازی اسلامی را می‌توان بر مبنای آن، ترسیم کرد. توماس کوهن از نظریه پردازان مطرح فلسفه علم است. وی پیشرفت علم را متشکل از یک سری دوره‌های غیرمستمر از علوم هنجاری و تغییرات انقلابی می‌داند. این بدان معناست که برای یک دوره زمانی یک شیوه دیدن جهان هنجار تلقی می‌شود. و در صورتی که این شیوه پاسخ‌گوی مسائل نبود، تناقضات بروز کرده و با بحران مواجه می‌شود و در نتیجه این بحران انقلاب علمی رخ می‌دهد. وی جهت تبیین بحث خود به انقلاب کپرنیکی در نجوم و قوانین فیزیک نیوتنی اشاره می‌کند. امروزه نیز شهرسازی مرسوم (علم عادی)، پاسخگوی بسیاری از نیازها و بستر ساز تحقق اصول و فروع و اسلام نیست و از طرفی در حل مسائل و مشکلات نیز کارآمدی ندارد. فلذا به نظر می‌رسد مسیر شهرسازی مرسوم فعلی در جریان یک انقلاب علمی قرار گرفته است و صاحب‌نظران در دانشگاه‌های مختلف پیرامون مباحث و موضوعات شهرسازی از منظر اسلام اندیشه‌ورزی می‌کنند. لاکاتوش در تکمیل کار کوهن معتقد است که محققان، آن قدر آزاد و مختار نیستند که کاملاً دلخواه عمل کنند. آن‌ها دارای یک برنامه راهبردی تحقیقاتی هستند که مشخص می‌کند. کاوش‌های کنونی و آینده آنها، چگونه باید باشد. این برنامه پژوهشی، سلسله‌ای از راهبردهای ایجابی و راهبردهای سلبی دارد (گلاس و جانسون، ۱۳۷۳، ص ۱۹۳). راهبرد سلبی این برنامه شامل استخوان‌بندی آن است که نباید به هیچ وجه جرح و تعدیل و یا ابطال شود. مفروضات اساسی در هسته مرکزی برنامه قرار دارد. این هسته مرکزی یا مقاوم را کمربند محافظ از ابطال مصون نگه می‌دارد. کمربندی که شامل مجموع‌های از فرضیه‌های کمکی است. راهبرد ایجابی برنامه، شامل نظریه‌های جدیدی است که به استخوان‌بندی برنامه اضافه می‌شود و از پیش‌بینی‌های بدیعی برخوردار است که امکان توسعه و پیشرفت علم را فراهم می‌آورد، شکل ۳ مدلی می‌تنی بر برنامه پژوهشی لاکاتوش را نشان می‌دهد (چالمرز، ۱۳۷۹، صص ۹۸ و ۹۹).

شکل ۳: مدل برنامه پژوهشی لاکاتوش



ماخذ: نگارندگان براساس چالمرز، ۱۳۷۹، ۹۸

لاکاتوش معتقد است، اینکه چه گزاره‌هایی، هسته مقاوم باشد، با تصمیم روش شناختی عالمان به دست می‌آید. اما نمی‌گویید که گزاره‌ها و اصول هسته مقاوم باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد و چگونه می‌توان درباره آن‌ها به اجماع رسید. او بر این باور است که عالمان براساس قوانین نانوشته که هم درباره چگونگی پیشروی و هم درباره چگونگی پیش رفتن صحبت می‌کند، راهنمایی‌هایی را به دست می‌آورند. بررسی برنامه پژوهشی لاکاتوش و پارادایم کوهن، ذکر چند گزاره را برای طراحی برنامه پژوهشی و پیشبرد مطالعات خاطر نشان می‌کند:

- ۱- هر دو بر لزوم تحلیل علم به مثابه ساختار منظم و نه بر اساس نظریه‌های منفرد تأکید می‌کنند.
- ۲- در دوره علم عادی کوهن، عالمان، فرض‌های پایه و چارچوبهای فکری متداولی را می‌پذیرند که همان هسته مقاوم لاکاتوشی تشکیل می‌دهد و همگی بر آن‌ها اجماع دارند و می‌کوشند آن‌ها را از ابطال و جرح و تعدیل مصون دارند.
- ۳- هر دو بر این تأکید می‌کنند که هسته مقاوم یا چارچوبهای فکری، نقش تنظیم‌کننده‌ای در نظریه پردازی دارند؛ به طوری که با تغییر هسته مقاوم (با چارچوب فکری کوهن)، نظریه‌ها، ماهیتاً دچار تغییر گشتالتی می‌شوند که کوهن آن را به تغییر مذهب، تشبیه کرده‌است. رها کردن هسته مقاوم برنامه پژوهشی، به معنی رها کردن کل برنامه پژوهشی است و این همان تغییر پارادایم کوهن است. لاکاتوش در این باره نظریه گرانث نیوتن را شرح می‌دهد که موفق‌ترین برنامه پژوهشی بوده است. سپس گرایش فیزیکدانان را پس از سال ۱۹۰۵ برای پیوستن به اردوی نظریه نسبیت بررسی می‌کند (Lakatos, 1978).
- ۴- کوهن که معتقد است در علم عادی، عالمان از ابطال چارچوبهای فکری بر حذر داشته می‌شوند، لاکاتوش نیز معتقد است، فرضیه‌های کمکی از هسته مقاوم محافظت می‌کند.
- ۵- همانطور که در علم عادی، پارادایم فکری نضج پیدا می‌کند، راهبرد ایجابی لاکاتوش به طور دقیق‌تر بر پیشرفت علم تأکید دارد. کوهن نیز می‌گوید: «اگر چه اصطلاحاتی که او بکار برده، متفاوت است، اما ابزار تحلیلیش به مقداری که ضرورت ایجاب می‌کند، با ابزارهای مورد استفاده من، قرابت دارد. هسته مقاوم و فعالیت در کمربند حفاظتی، معادلهایی برای پارادایم و علم عادی هستند» (Kuhn, 1972, p.139).

۷- بحث

بر مبنای مباحث پیش گفته می‌توان استدلال کرد، بالندگی و رشد شهرسازی برای تحقق حکمرانی متعالی نیازمند برنامه پژوهشی مشخص و هم‌افزا با تکیه بر روش‌شناسی متناسب با چارچوب فکر (پارادایم) اسلامی است. در این فرآیند و نوع نگرش؛ هسته مقاوم و چارچوبهای فکری دانش شهرسازی از متون اسلامی اخذ می‌گردد (گنجعلی و پارسازاده، ۱۳۹۰). که خواه نا خواه در اثر آن چرخشی میان دانش شهرسازی مرسوم و شهرسازی اسلامی رخ می‌دهد، در این فرآیند نظریه‌هایی که در دانش شهرسازی غربی مطرح است و به هسته مقاوم و چارچوبهای فکری دانش شهرسازی اسلامی خدشه وارد نمی‌کند، درون پارادایم شهرسازی اسلامی هضم و جذب می‌شود. از طرفی راهبرد سلبی شهرسازی اسلامی، نظریه‌هایی که مغایر، متباین و ناهمخوان با هسته مقاوم و چارچوبهای فکری دانش شهرسازی اسلامی است، کنار می‌گذارد. کمربند محافظ گزاره‌های محوری هسته مقاوم استخوان‌بندی دانش شهرسازی اسلامی را از ابطال مصون می‌دارد. می‌توان گفت در شهرسازی اسلامی، دین گزاره‌های محوری و چارچوب فکری شهرسازی اسلامی را مستقیماً تعریف و مشخص می‌کند، و با کمربند محافظی آن را محافظت می‌کند و نسبت به نظریه‌های مطروح در دانش شهرسازی غربی دستورالعمل‌هایی را صادر می‌کند که الف- هسته مقاوم در شهرسازی اسلامی را ابطال و یا جرح و تعدیل نکنند و نسبت به هسته مقاوم ناهمخوان و ناسازگار و متعارض نباشد. ب- در جهت بسط و تقویت پارادایم چارچوب فکری و هسته مقاوم شهرسازی اسلامی باشد. جدول شماره ۳ با انجام فراتحلیل چند مطالعه بدنبال اثبات کارایی این نگرش است. این جدول از پژوهشی با عنوان: «شهرسازی اسلامی، کلان نظریه شهرسازی عبادت محور» (رفعیان، ۱۳۹۴) اخذ گردیده است. یافته‌های پژوهش مذکور بیان می‌کند، در مقیاس‌های گوناگون موضوع پژوهش‌های شهری از حوزه خانه (مسکن)، تا محله و شهر و حتی منطقه عبادت به مثابه کلان نظریه در هسته مقاوم دانش شهرسازی اسلامی می‌تواند مطرح شود. روش‌شناسی این پژوهش مبتنی بر چارچوب فکری اسلامی و روش تحقیق هنجاری که در قسمت ۴ و ۵ همین مقاله شرح آن آمده‌است بنا شده است. فرض اصلی این بوده است که اگر «خداوند انسان را خلق

نکرده است مگر برای عبادت» (ذاریات، ۵۶)، شهرسازی اسلامی نیز بایستی بستر ساز این عبادت باشد. حال آیا نمونه‌ها موفق این فرض را بعنوان هسته مقاوم را تایید می‌کند. استقراهای موافق و مخالف از فعالیت‌های شهرسازی در مقیاس‌های گوناگون مطابق جدول ۳ این گزاره را تایید می‌کند.

جدول شماره ۳: فراتحلیل کیفی مطالعات جهت دستیابی به هسته مقاوم

موضوع	مصادق	ماخذ	توضیحات
خلق مکان (طراحی شهری)	رمز پایداری مکان	رمز پایداری میادین شهری، برگزاری مراسم آیینی است (رنجبر، ۱۳۹۱).	تمامی این موضوعات نمونه‌هایی از جنس موضوعات مورد بحث شهرسازی هستند. و با کلان نظریه شهرسازی عبادت محور همسو می‌باشند.
مسکن	الگوی سکونت	بهترین بستر تحقق صله رحم بعنوان مظهری از عبادت، الگوی سکونت فامیلی است (سرای، ۱۳۹۱)	
کارکردهای شهری	فراغت	مطالعه‌ای در مفهوم فراغت نشان می‌دهد که کارکردهای فراغتی بافت تاریخی شهرها عبادت محور بوده‌اند (رفیعیان، ۱۳۹۴).	
منظر شهری	رنگ در منظر شهر عامل	عدم رنگارنگی فضاهای شهری سنتی و استفاده از رنگ در عناصر مذهبی موید تاکید بر توجه به عالم بالا در شهرسازی سنتی است (رفیعیان، ۱۳۹۴).	

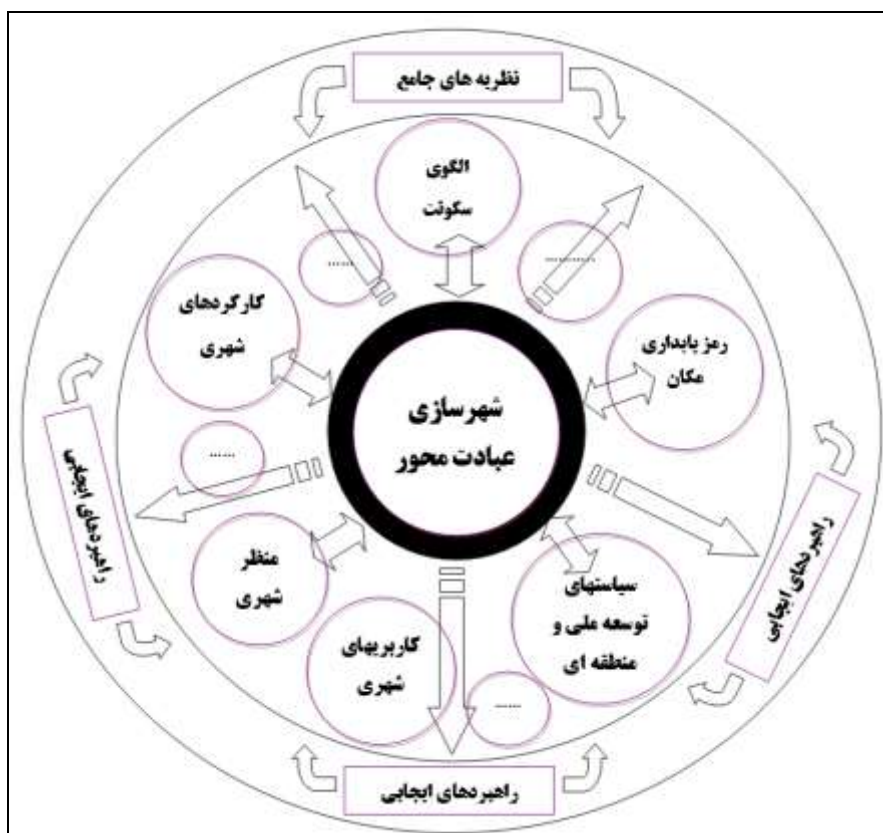
ماخذ: نگارنده

۸- نتیجه‌گیری

با توجه به مطالعات و پژوهش‌هایی که در حوزه شهرسازی اسلامی و حکمرانی متعالی صورت گرفته است، این مسئله همواره مطرح است که پژوهش‌های اینچنین از منظر الهی، اولاً، پژوهش‌های دانش منفرد و مستقلی محسوب نمی‌شود، بلکه بایستی از سرچشمه نظری مبتنی بر اندیشه اسلامی سیراب شوند. ثانیاً، مطالعات موجود تاکید مشخصی بر روش‌شناسی منقح و مدون ندارند و از طرفی برنامه مشخصی جهت پیشبرد دانش شهرسازی در دست نیست. فلذا ارائه الگو روش‌شناسی مطالعات شهرسازی به منظور تحول حکمرانی نیاز است. شیوه مواجهه ارائه شده در جدول شماره ۱، چگونگی دستیابی به محتوای مطلوب در مطالعات و همچنین معیارهای مطرح در گزینش و انتخاب مبانی نظری بر مبنای اندیشه اسلامی را ارائه می‌کند. ضرورت تدوین برنامه پیشبرد این است که تا وقتی که مجموعه‌ای از مطالعات، به کلان نظریه، تبدیل نشده باشد، امکان رقابت با سایر کلان نظریه‌ها نخواهد داشت. بنابراین، روش‌شناسی مطالعات شهرسازی اسلامی نباید به گونه‌ای باشد که حاصل آن، صرفاً، تطبیق یا تلفیق خرده نظریه‌ها باشد. روش‌شناسی نظریه‌های سطوح بالاتر، باید مشخص کند که خرده نظریه‌های جدید در کجای برنامه پیشبرد قرار می‌گیرند و چگونه زمینه توسعه یا احتمالاً انحطاط کلان نظریه را فراهم می‌کنند؟ و یا چگونه می‌توان از ابطال کلی پارادایم موجود بدست نظریه‌های جدید جلوگیری کرد؟ یکی از موارد مغفول در جریان پژوهش‌های شهرسازی اسلامی امروزه این است که ارتباط منسجم و برنامه‌ریزی شده میان فعالیت‌های پژوهشی وجود ندارد. هر پژوهش در تدارک نظریه‌ای و یا ذیل نظریه‌ای شکل می‌گیرد و این خرده نظریات بایکدیگر پیوندی ندارند. به نظر می‌رسد بهتر است این خرده نظریات ذیل کلان نظریه طرح شوند. مانند کلان نظریه عبادت در شهرسازی اسلامی. شکل شماره ۴ این انگاره را در برنامه پیشبرد مطالعات شهرسازی اسلامی نشان می‌دهد. در این برنامه پیشنهاد می‌شود پژوهش‌ها در جهت کاهش موازی کاری و هم افزا شدن به سمت دستیابی به دانش شهرسازی پاسخگو به نیازهای روز و رفع نواقص علم عادی شهرسازی حرکت کنند. الگوی روش‌شناسی این مطالعات، مبتنی بر چارچوب فکری اسلامی است، این چارچوب فکر در هستی‌شناسی بر تعالی شناسی؛ در معرفت‌شناسی بر عبادت یا عمل صالح، و از نظر انسان‌شناسی نیز بر انگاره انسان حی متاله استوار است. تمامی این ارکان به صورت هنجاری بر مبنای آیات صریح قرآن انسان را به سمت «حیات طیبه» رهنمون می‌گردند. حیات طیبه ثمره عبادت و توجه به عالم بالاست در همه حال است. از این رو شهرسازی به معنای انتظام محیط انسان ساخت نیز بدنبال بستر سازی محیط در راستای حیات طیبه است. برنامه پیشبرد دانش شهرسازی نیز می‌تواند با برقراری ارتباط قاعده‌مند، میان چارچوب‌های فکری موجود در اندیشه اسلامی انگاره‌های حکمرانی متعالی، مدلی روش‌شناختی برای نظریه‌پردازی در

مطالعات شهرسازی از منظر اسلام و حکمرانی متعالی عرضه کند. که در آن هسته مقاوم، کلان نظریه شهرسازی عبادت محور است.

شکل شماره ۴: الگوی نظری مطالعات شهرسازی اسلامی مبتنی بر روش شناسی متناسب با حکمرانی متعالی



ماخذ: نگارنده

۹- پی نوشت ها

۱- اهم موارد این دسته بدین شرح اند: در سطح بین الملل شرایط بیداری اسلامی و الگوگیری و مطالبه کشورهای مسلمان، سیاست های کلی کشور و برنامه های سطح کلان و بالادستی، در سطح ملی حرکت مجامع علمی به سمت تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، طرح مباحثی همچون تمدن- سازی نوین اسلامی، برنامه تحول در علوم انسانی.

2- Paradimatic

3- Ontology

4- Epistemology

5- Methodology

۶- هرچند در عالم اسلام عرفان در مقابل فلسفه قرار گرفته اما مخالفان فلسفه با عرفان نظری نیز به همین دلیل که ریشه های آن در اندیشه های بیگانه قرار دارد به مخالفت برخاسته بودند. این نوشتار غالباً به مخالفت رویکرد نخست با فلسفه اشاره می کند اما باید آن را شامل عرفان نظری نیز دانست.

7- Lakatos

۱۰- منابع و ماخذ

- باقری. خسرو. ۱۳۸۹. فلسفه آموزش و پرورش در ج.ا.ا. تهران: نشر مدرسه.
- بردبار، غلامرضا، ضرابی زاده، شیما، صالحی، طاهر. (۱۳۹۴)، «ارائه الگوی حکمرانی خدامدار»، فصلنامه مدیریت اسلامی، ۲۳(۲)، ۴۱-۹.

- بنتون. تد و کرایب. یان. ۱۳۸۴. فلسفه علوم اجتماعی. ترجمه شهناز مسمی پرست و محمود متحد. تهران: آگه.
- جوادی آملی. غلامحسین. ۱۳۸۹. تفسیر انسان به انسان. تهران: مرکز نشر اسرا.
- چالمرز. آلن اف. ۱۳۷۹. چیستی علم: درآمدی بر مکاتب علم شناسی فلسفی. ترجمه سعید زیبا کلام. تهران: سمت.
- دانایی فر. حسن. ۱۳۹۰. روش شناسی نظریه پردازی. تهران: سمت.
- رضایی، حسن، دهقانی، روح‌الله، مهرداد، کیانپور، (۱۳۹۴)، «طراحی و تبیین مولفه‌ها و شاخص‌های اساسی حکمرانی اسلامی»، مرکزی بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- رفیعیان. محسن. ۱۳۹۴. شهرسازی اسلامی. گفتاری در کلان نظریه شهرسازی عبادت محور. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران. دانش شهر ۳۱۳.
- سایر. اندرو. ۱۳۸۵. روش در علوم اجتماعی: یک رویکرد رئالیستی. ترجمه عماد افروغ. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سرایی. محمدحسین. ۱۳۹۱. تطور سکونت شهری از مجموعه‌های فامیلی (محله‌ای) تا بلوک‌های آپارتمانی (تفاوت‌های اساسی خانه و مسکن در شهر یزد). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری. سال سوم. شماره دهم. پاییز ۱۳۹۱. ۴۲-۲۳.
- صادقی فسایی. سهیلا و ناصری‌راد. محسن. ۱۳۹۰. عناصر بنیادین پژوهش کیفی در علوم اجتماعی: هستی‌شناسی. معرفت‌شناسی. روش‌شناسی و روش. مجله مطالعات اجتماعی ایران. دوره پنجم. شماره ۲. تابستان.
- فیروزی، محمدعلی، سجادیان، مهیار (۱۳۹۷)، «تحلیلی بر مدخلیت حکمرانی شهری شایسته اسلامی در تعمیق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد، ۲۷(۲)، ۸۷-۱۱۴.
- کميجانی، علی، عیوضی، محمدرحیم، بزرگ‌مهری، مجید، نظامی پور، قدیر، (۱۳۹۸)، «سیمای حکمرانی مطلوب در آینده‌پژوهی: از تصویرپردازی تا شکل‌بخشی آینده»، آینده پژوهی ایران، ۴(۱)، ۲۰۷-۲۳۵.
- گلاس. ج. س. و جانسون. و. ۱۳۷۳. اقتصاد، پیشرفت، رکود یا انحطاط، درآمدی بر روش‌شناسی علم اقتصاد. ترجمه محسن رنایی. اصفهان: فلاح ایران.
- گنجعلی. اسد... و پارسا زاده. احمد. ۱۳۹۰. مدل لاکاتوش -کوهن، به مثابه مدلی روش‌شناختی جهت نظریه‌پردازی در مدیریت اسلامی. مجله اندیشه مدیریت راهبردی. سال پنجم. شماره دوم. پاییز و زمستان. شماره پیاپی ۱۰. صص ۱۹۹.
- مارش. دیوید و پاول فورلانگ. ۱۳۸۷. پوست نه پوستین: هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی در علوم سیاسی. ترجمه سید علی میرموسوی. فصلنامه علوم سیاسی. سال ۱۱. ش ۴۲. صص. ۶۴-۳۲.
- میرمیران، سیده مهدیه، الیاسی، فاطمه. (۱۳۹۱)، «اصول شهرسازی اسلامی از نظرگاه قرآنی»، دومین همایش ملی شهر اسلامی، اصفهان.
- Barbour. Rosaline. S. .2007. Introducing Qualitative Research: A Student's Guide to the Craft of Doing. Sage Publications Ltd .
- Bagheri. Khosrow. 1389. Philosophy of Education in the Islamic Republic of Iran. Tehran: Madreseh.
- Benton. Ted and Krayb. Ian .1384. Philosophy of Social Sciences. Translation Shahnaz mosama Parast and Mahmoud Motahed. Tehran: Agah.
- Blaikie. N. .1993. Approaches to Social Enquiry. in Bloch. M. Marxism and Anthropology. Oxford University Press.
- Carter. Stacy. M & Miles. Little. .2007. Justifying Knowledge, Justifying Method, Taking Action: Epistemologies, Methodologies, and Methods in Qualitative Research. Qualitative Health Research. 17(10): 1316-28.

- Chalmers. Alan F. .1379. The Nature of Science: An Introduction to Scientific philosophical schools. translation Saeed Zibakalam. Tehran: SAMT.
- Danaifar. H .1390. Methodology of Theorising. Tehran: SMAT.
- Fsawy Sadeghi. S. and Naseryrad. M .1390. Fundamental elements of qualitative research in social sciences: Ontology, Epistemology, Methodology and approach. Journal of Social Studies. Volume5. Issue 2. Summer.
- Ganjalikhani. Asadollah and Parsazadeh. A .1390. Lakatos model Kuhn.The as a Epistemological model for theorizing in Islamic Management. Strategic Management Journal. Issue II. Autumn and winter. No. 10. pp. 199
- Glass. vol. Q. And Johnson. and .1373. Economy, progress, Stagnation or decline. Introduction to Metodology of Economics. Translated by Mohsen Renani. Isfahan: Fehahat.
- Harding. S. .1987. Introduction: Is There a Feminist Method?. In S.Harding (Ed.). Feminism and Methodology: Social Science Issues (pp.1-14). Bloomington: Indiana University Press.
- Javadi Amoli. Gholamhossein. .1389. Human to human interpretation. Tehran: Asra.
- Kuhn. S.T. .1972. Notes on Lakatos . Boston studies in the philosophy of science. Vol. VIII. Pp. 137-146.
- Lakatos. I. .1978. The methodology of scientific research programs. In J. Worrall & G. Currie (eds.). Philosophical papers (Pp. 8-101). Cambridge: Cambridge University Press. Vols. 1 & 2.
- Marsh. David. & Gerry Stoker..2002. . Theory and Methods in Political Science. New York. Palgrave Macmillan. (page 17-41)
- Marsh. David and Paul Furlong .1387. Skin not Sheaths: ontology and epistemology in political science. Translated by Seyyed Ali Mir Mousavi. Journal of Political Science. Vol. 11. No. 42. pp. 64 -32.
- Rafieian. Mohsen. 1394. Islamic urbanism. Meta theory on God base Built environment. Tehran Centre of urban Studies and Planning. Journal of Urban Knowledge. No.313.
- Saraee. Mohammad Hosseyn.1391. The evolution of urban settlements from the family collections (Neighbourhood) to the flats (fundamental differences of houses home in Yazd city).Journal of Research and urban planning. Issue I . Autumn 1391.pp 42-23.
- Sayer. Andrew .1385. methods in the social science: a realistic approach. Translation Emad Afroogh. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Schwandt. T. .2001. A Dictionary of Qualitative Inquiry (2nd ed.). Thousand Oaks. CA: Sage.